

38-86
۳۸-۸۶

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 38

Date of filing: 14 MAY 84

** AWARD - Type of Award _____
- Date of Award _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of MR. MOSK
- Date 14 MAY 84
_____ pages in English 16 pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

38-86
28-14

English version
Filed on 18 APRIL 84
نسخه انگلیسی در تاریخ
ثبت شده است.

پرونده شماره ۲۸

شعبه سه

حکم شماره ۳ - ۲۸ - ۱۲۲

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL دادگاه دآوری دعاوی ایران - ایالات متحد
ثبت شد - FILED
Date ۱۳۶۲ / ۲ / ۲۴ تاریخ
14 MAY 1984
No 38 شماره

شرینگ کورپوریشن ،
خواهان ،
علیه
جمهوری اسلامی ایران ،
خواننده .

DUPLICATE ORIGINAL
نسخه برابر اصل

نظر مخالف ریچارد ام. ماسک

اینجانب با حکم پرونده حاضر مخالفم .

شرینگ کورپوریشن ("خواهان") و شرکتهای وابسته (که مجتمعا "شرینگ" نامیده می شوند) از تولیدکنندگان و فروشندگان عمده محصولات داروئی در سراسر جهان می باشند. خواهان و شرکت مادر آن ، شرکتهای آمریکائی هستند و شرینگ از سالها قبل با ایران معامله داشته است . قسمت اعظم معاملات شرینگ از طریق شرکت تابعه آن ، یعنی شرینگ کورپوریشن (ایران) (اختصارا "شرکت" یا "شرینگ ایران") که بنوبه خود از یک عامل بخش ایرانی استفاده می کرد ، صورت می گرفت . شرینگ هر موقع که اجناس را به ایران حمل می نمود ، بعنوان بخشی از تشریفات واردات اجازه پرداخت به ارزش خارجی را کسب می کرد . روشن است که قصد خواهان از دادوستد در ایران

(راسا " ویا از طریق شرکتهای وابسته) تولید در آمد و سود برای خود بود .

خواهان اثبات کرده است بدلالی که ناشی از تقصیری نبوده ، مبالغ عمده ای ارز خارجی بابت محصولات و خدماتی که در ایران ارائه داده ، دریافت نکرده است . این امر که شرینگ ایران می تواند برخی از این وجوه را دریافت کند دردی از خواهان علاج نمی کند ، زیرا این وجوه را طبق قوانین و رویه جاری ایران نمی توان به ارز خارجی تبدیل و به خارج از ایران منتقل کرد . دیوان با وجود بیعدالتی مسلمی که این وضعیت ایجاد کرده کلیه ادعاها را بجز قسمت کوچکی رد کرده است . من تعدادی موضوعات را که بعقیده اینجانب دیوان بحد کفایت مورد بحث قرار نداده یا در مورد آنها تصمیم صحیح نگرفته ، مورد بحث قرار می دهم .

ضابطه اثبات

بنظر اینجانب دیوان یا ادله و مدارک را بطور نا درستی سنجیده یا برخوانان ضابطه اثباتی سخت و نابجا در این پرونده اساسا " تجارتي تحمیل کرده است . این امر بویژه با توجه به قصور خواننده در ارائه ادله و مدارک مربوطه صحت دارد . رجوع شود به پرونده ویلیام ال . پیرا اسوشییتس ، ایران علیه جمهوری اسلامی ایران حکم شماره ۳ - ۱ - ۱۱۶ (نظر موافق ریچارد ام . ماسک) (۱۹ مارس ۱۹۸۴ / ۱۲۹ سفند ۱۳۶۲) . جای تاسف است که دیوان ضابطه اثباتی را که بر طرفین تحمیل کرده هرگز مورد بحث قرار نداده است .

یک نمونه بارز اشتباه دیوان این نتیجه گیری است که چهار برات شرینگ که دیوان از آنها به عنوان " چندین برات دیگر " نام برده قبل از اینکه کنترل شرینگ ایران بدست شورای کارکنان بیفتد جهت صدور مبالغ براتها به ارز خارجی ، به مقامات مسئول ارائه نشده است .

دیوان ادعان دارد که اندکی قبل از ارائه دعای آن چهار برات برای انتقال

ارز خارجی ، دوفقره برات دیگر برای انتقال تسلیم گردیده بود که به طرز غیرقانونی رد شده بود. "مدرک" خوانده در مورد عدم تسلیم چهار براتی که طبق اظهار خواهان تسلیم ورد شده ، ادعای صرف بانک مرکزی است مبنی بر اینکه براتها را دریافت نکرده است . شواهد و مدارک عمده خلاف این ادعا را نشان می دهد . بیش از مدت ده سال اینگونه براتها بطور منظم و عادی برای پرداخت تسلیم و با تصویب بانک مرکزی قبل از ورود محصولات داروئی ، پرداخت می شده است ، (۱) کمی بعد از آنکه

(۱) بموجب مقررات ارزی ایران کلیه واردات اجناس مجاز می بایست با اجازه قبلی وزارت اقتصاد و بانک مرکزی باشد . در مقررات واردات ، دارو جزء واردات "مجاز" طبقه بندی شده بود . در مقررات ارزی نیز قید شده بود که (کلیه) سفارشهای واردات باید از طریق بانک مجاز در برابر پروفرما در بانک مرکزی به ثبت رسد" ، شرینگ ایران با پرداخت حق الثبت مقرر این واردات را به ثبت رسانیده بود . دلیل آن شماره ثبت وارده در صورت حساب نمونه تسلیمی توسط بانک تجارت خارجی می باشد . خواهان اظهار می کند ، که مدت سیزده سال ، مقامات گمرک ، بدون ارائه شماره ثبت اجناس را ترخیص نمی کردند . شماره ثبت بانکی علاوه بر اجازه ورود اجناس ، اجازه انتقال ارز لازم برای پرداخت نیز محسوب می شد . طبق مقررات ارزی "تائید اسناد حمل بوسیله بانک مجاز بمنزله تصویب انتقال ارز است" . بدین ترتیب انتقال بعد از صدور شماره ثبت ظاهراً "نیاز به تصویب بانک مرکزی نداشت . رجوع شود به مقررات ارزی ، اکو آو ایران (ECHO of Iran) ضمیمه شماره ۱۸۸ (۱۹۷۲) . این مقررات ارزی واردات در کلیه زمانهای ذیربط در این اختلاف بقوت خود باقی بوده است . رجوع شود به گزارش سالیانه صندوق بین المللی پول درباره ترتیبات و محدودیت های ارزی سالهای ۱۹۸۱ - ۱۹۷۴ .

Annual Report on Exchange Arrangements and Exchange Restrictions

درواقع ، دولت ایران برای تشویق واردات به تهیه کنندگان خارجی اطمینان داده بود وقتی شماره ثبت بانکی برای یک معامله وارداتی خاص تحصیل گردید ، مجوز لازم جهت انتقال ارز برای پرداخت کسب شده است . رجوع شود به :

F. Mann, The Legal Aspect of Money 405, 496-499 (4th ed. 1982).

حساب ادعا چهاربرات رد شد، خواهان دوبرات دیگر به بانک مرکزی تسلیم نمود ولی بانک به طور غیرقانونی آنها را رد کرد. دویادداشت همزمان که توسط ذیحساب شرکت در پرونده ثبت شده، حاکی از آنست که چهاربرات برای پرداخت ارائه گردیده ولی رد شده است. پرونده های شرینگ ایران و گزارشهای حسابرسی نشان می دهد که آن چهاربرات معتبر بوده و برای پرداخت تسلیم گردیده و رد شده است. سوابق مذکور شرکت که طی جریان عادی کسب و کار شرکت نگهداری شده دستخط ذیحساب شرکت بوده و مدت ها قبل از شروع این دعواتهیه شده است. سوابق یاد شده حاکی از اینست که چهاربرات مذکور قبل از شروع مداخله شورای کارکنان در کار شرکت تسلیم شده بود. کارمندان شرکت اشاره کرده اند که براتها تسلیم گردیده ولی تصویب نشده است. هیچ توضیح قابل درکی وجود ندارد که چرا براتها نمی بايست در طول جریان کسب ارائه شده باشد، یا اگر آنطور که ادعا شده ارائه نگردیده با آنها چه شده است.

مدارک و مطالبی که خواهان ارائه داده، حداقل محمول بر آنست که براتها تسلیم شده. خواهان توضیح داد که شورای کارکنان مانع از این شد که خواهان بتواند ادله و مدارک بیشتری از ایران بدست آورد. صرفا اظهار اینکه براتها تسلیم نشده نمی تواند دلیل معارض کافی تلقی شود. در واقع، بانکهای ایرانی مربوطه باید اسنادی در اختیار داشته باشند که براتهای تسلیم شده جهت انتقال ارز در مدت مورد بحث را نشان دهد، لیکن از ارائه آنها خودداری کرده اند. این اسناد احتمالا نشان می داد که براتهای مورد بحث تسلیم شده است یا خیر.

چنانچه تحت شرایط حاضر، با کاربرد هرگونه ضابطه معقول اثبات، در صد کشف واقع برآئیم، به این نتیجه گیری می رسیم که چهاربرات مورد بحث برای پرداخت به ارز خارجی تسلیم ولی رد شده بوده است.

به طور جمله معترضه، لازمست سنوال شود که آیا دیوان می بایست به شرینگ ایران تکلیف می کرد که درخواست مجددی به مقامات بانکی ایران تسلیم نماید. سیاست ایران ظاهرا " این بود که، احتمالا" باستثناء اجازه صدور اعتبار اسنادی به ارز

خارجی برای پرداخت اجناسی که بعداً " وارد می شود، از انتقال ارزش جویگری نماید. روشن است که در تاریخ مورد بحث تصویب انتقال ارزش برای اجناسی که قبلاً" وارد شده، مفهومی نخواهد داشت.

صلاحیت

این رویه دیوان که غالباً " بدون تصمیم در مورد مسائل مربوط به صلاحیت در مورد ماهیت دعوی اخذ تصمیم می نماید برای من سوال برانگیز است. معمولاً" تا دیوان صلاحیت خود را در رسیدگی به پرونده ای تعیین ننموده، نباید به ماهیت پرونده بپردازد. در این مورد دیوان بر اساس این فرض که خواهان در اصل دعوی برنده نمی شود مایل نیست در مورد مسائل مربوط به صلاحیت اخذ تصمیم نماید. بنابراین، من صرف نظر از آنکه دیوان به موضوعات صلاحیت پرداخته یا خیر، آنها را مورد بحث قرار می دهم.

ادعای شرینگ کورپوریشن (پورتوریکو)

یکی از ادعاها بر مبنای ادعای شرینگ کورپوریشن (پورتوریکو) استوار است، که شرکتی است آمریکائی و تماماً " متعلق به شرینگ پلاو، شرکت مادر خواهان. خواهان اظهار می دارد که شرینگ کورپوریشن (پورتوریکو) ادعای خود را قبل از ثبت ادعا در دیوان به خواهان واگذار کرده و در نتیجه ادعا بموجب الزام بیانیه حل و فصل دعاوی در مورد صلاحیت دیوان^(۲) مستمراً " از تاریخ بروز تا تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیمه ۱۳۵۹) به یک تبعه ایالات متحده تعلق داشته است. سند واگذاری عنوان "وکالتنامه" دارد و خواهان بموجب آن سند از طرف شرینگ کورپوریشن (پورتوریکو) اختیار دارد

(۲) بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر در باره حل و فصل ادعاها توسط دولت ایالات متحده آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران.

بنام خواهان جهت "مطالبه و دریافت" کلیه مطالبات آن و تعقیب دعاوی شرینگ کورپوریشن (پورتوریگو) اقدام نماید. اعم از آنکه این سندیک سندا انتقال یا وکالت نامه باشد واضح است که ادعای واگذار شده در زمانهای ذیربط متعلق به یک تبعه ایالات متحده بوده که حق اقامه دعوا را داشته است. خواهان، یا منتقل الیه ادعای شرینگ کورپوریشن (پورتوریگو) بوده، و یا کالتا " از طرف شرینگ کورپوریشن (پورتوریگو) اقامه دعوا کرده است، که در هر دو وضعیت ادعا از آن یک تبعه ایالات متحده، و در صلاحیت دیوان داوری، است.

در صورتیکه دیوان در مورد این مسئله تردید داشت میبایست با درخواست خواهان جهت اصلاح دادخواست و افزودن شرینگ کورپوریشن (پورتوریگو) بعنوان یکی از طرفها موافقت می کرد. چنین اصلاحیه ای به حقوق خواننده لطمه نمی زد، و طبق مفاد بیانیه حل و فصل دعاوی دائر بر اینکه ادعا بابت ۱۹ ژانویه ۱۹۸۲ (۲۹ دیماه ۱۳۶۰) ثبت شود نیز منع نشده است. آمریکن اینترنشنال گروپ، اینکورپوریتد و دیگران علیه جمهوری اسلامی ایران و دیگران، حکم شماره ۳ - ۲ - ۹۳ (۱۹ دسامبر ۱۹۸۳/۲۸ آذر ۱۳۶۲) ماده ۲۰ قواعد دیوان.

بنیاد مستضعفان

در مورد ادعای خواهان علیه شرکت فیروز دائر بر اینکه شرکت توسط بنیاد مستضعفان صادره شده، خواننده به این دلیل که، طبق اظهار خودش بنیاد یک سازمان یا دستگاه یا واحد تحت کنترل دولت ایران نیست، صلاحیت دیوان را به موجب الزام بند ۱ ماده دو و بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی در مورد صلاحیت رد کرده است.

در "لایحه قانونی اساسنامه بنیاد مستضعفان" که در تاریخ ۱۳ ژوئیه ۱۹۸۰ (۲۲ تیر (۳)

(۳) بنیاد در تاریخ ۵ مارس ۱۹۷۹ (۱۴ سفند ماه ۱۳۵۷) تاسیس شد، مواد مذکور اساسنامه در ۲۹ ژوئن ۱۹۷۹ (۸ تیر ۱۳۵۸) بجای متن قبلی اساسنامه تصویب گردید. رجوع شود به ماده ۳۹ اساسنامه تجدید چاپ، ج. وفائی قوانین تجارت خاور میانه و ایران، مجلد ۲، صفحات ۵ و ۱۶ (۱۹۸۲)

۱۳۵۹) بتصویب شورای انقلاب رسیده، مندرج است که بنیاد بدستور امام خمینی و با تصویب شورای انقلاب تاسیس شده است. بنیاد درکنار سازمانهای دولتی دیگر عامل و مجری معادله اموال شخصی است. بنیاد همچنین مسئول اداره و ضبط و ربط اموال معادله شده می باشد. در صورت انحلال بنیاد اموال معادله شده در اختیار دولت گذارده می شود. رئیس و مشاوران بنیاد را امام خمینی منصوب می نماید.

با توجه به این مراتب، این اظهار که باید بین مقامات، تمایزی از نظر سمت مذهبی و سمت دولتی شان قائل شد، فاقد اعتبار است. رجوع شود به مواد ۱ تا ۵ و ۹۴ و ۹۶ و ۱۰۷ قانون اساسی ایران.

بدین ترتیب بنیاد مستضعفان یک سازمان، دستگاه یا واحد تحت کنترل دولت ایران بوده و در نتیجه مشمول صلاحیت دیوان داری است.

شرینگ ایران

اظهار شده است که حتی اگر شرینگ ایران یکی از شرکتهای تابعه شرینگ هم می بود، دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعای مبتنی بر مطالب ادعائی مطالبات شرینگ ایران را نمی داشت، زیرا چنین ادعائی در واقع توسط یک شرکت ایرانی علیه دولت خود مطرح شده. معذک، ادعا به طور غیر مستقیم، ادعای یک تبعه یا لات متحده است که طبق بیانیه حل و فصل دعوی طرح آن مجاز شناخته شده است. بند ۲ ماده ۷ بیانیه رجوع شود به استارت ها و زینگ کورپوریشن علیه دولت جمهوری اسلامی ایران. قرار اعدادی شماره ۱- ۲۴- ۲۲ (۱۹ دسامبر ۱۹۸۳ / ۲۸ آذرماه ۱۳۶۲) و نظر موافق هوارد ام. هولتزن (۲۵ دسامبر ۱۹۸۳ / ۲۹ آذرماه ۱۳۶۲). بنا بر این، دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعا را دارد.

شورای کارکنان

مدارک موجود حاکی از آنست که شورای کارکنان یک سازمان ، دستگاه یا واحد تحت کنترل دولت ایران می باشد . متأسفانه ، خواننده دلایل ناچیزی در مورد وضعیت سابق و کنونی شوراهای کارکنان ارائه داده است .

طبق اصل ۱۰۴ قانون اساسی ایران شوراهای کارکنان "بمنظورتا مین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی ، صنعتی و کشاورزی تشکیل شده است" (ترجمه الگار ۱۹۸۰) . در ژوئن ۱۹۸۰ "لایحه قانونی تشکیل شوراهای اسلامی کارکنان واحدهای تولیدی ، صنعتی ، کشاورزی و خدماتی"^(۴) بتصویب رسید (ترجمه انگلیسی به دیوان ارائه شده) . ماده ۴ آن قانون مقرر می دارد که یکی از اهداف شوراهای کارکنان "تحکیم مبانی جمهوری اسلامی ایران" می باشد . ماده ۱۸ لایحه مذکور مقرر می کند که شوراهای کارکنان "بمنظور . . . افزایش احساس مسئولیت پذیری مردم در پاسداری و دفاع از انقلاب . . ." می باشد . نحوه برگزاری و نظارت بر اجرای صحیح انتخابات و تشخیص موارد استثنائی این ماده بر عهده وزارت کار و امور اجتماعی است . همان مآخذ ، ماده ۷ . هیات (های) نظارت بر امور شوراهای مرکب از "یک نفر نماینده دولت به انتخاب وزارت کار و امور اجتماعی ،" در هر منطقه تشکیل می شود که (این نماینده - م) "ریاست هیات نظارت بر امور شوراهای را بر عهده دارد . . ." همان مآخذ مواد ۱۰ و ۱۲ . محل تشکیل هیات مزبور را اداره کار منطقه تعیین می نماید . ماده ۱۳ مقرر می دارد که "جهت تشکیل هیات های نظارت بر امور شوراهای و تنظیم برنامه ها و رسیدگی به امورات آن و همچنین ایجاد هماهنگی لازم ، دفتری بنام "دفتر هماهنگی هیات های نظارت بر امور شوراهای" در وزارت کار و امور اجتماعی تشکیل می گردد . ماده ۱۶ مقرر می دارد که "وزارت کار و امور اجتماعی مسئول نظارت بر اجرای صحیح مفاد این قانون . . . می باشد ." متعاقباً قوانین دیگری در مورد تشکیل و اداره شوراهای کارکنان بتصویب رسید .

(۴) دستوالعملهای دیگری قبلاً در مورد تشکیل شوراهای کارکنان صادر شده است .

شوراهای کارکنان صرفاً " سازمانهای کارگری خصوصی که تابع مقررات دولت باشند نبوده و صرفاً " برای تامین روابط هماهنگ کارمندان و کارفرمایان ایجاد نشده اند، بلکه بنظر می رسد شوراهائی هستند که دولت آنها را بوجود آورده و تابع مقررات وزیر نظر دولت می باشند. برخلاف مقررات عمومی مربوط به تنظیم روابط کار و امور اتحادیه های کارگری مستقل - که صرفاً " جهت حمایت از حقوق و منافع کارگران ایجاد شده - قوانین ایران اساساً " تشکیل شوراهای کارکنان را الزامی ساخته و نحوه عمل داخلی آنها را تعیین و تصریح می کند که هدفی بیش از حفظ منافع کارکنان دارند (۵) در واقع ، وکیل ایران در جلسه استماع ، شوراهای کارکنان را به سازمانهای کارگری مختلفی از جمله " شوراهای روسیه شوروی " تشبیه کرد . بعلاوه ، نماینده شورای کارکنان شرینگ ایران در یادداشتی که به مدیریت شرینگ ایران نوشته در اشاره به کار و کسب شرکت اشعار داشته است که وی (نماینده مذکور - م) " در مقابل دولت انقلابی و ملت ایران مسئول است " .

دیوان از بحث کامل در مورد قوانین و ادله و مدارک ذیربط درباره شورای کارکنان خودداری می رود. با توجه به اینکه خواننده مدرک مهمی در مورد این موضوع ارائه نداده ، لذا دیوان می بایست چنین نتیجه بگیرد که شورای کارکنان ، واحدی تحت کنترل دولت ایران و در نتیجه مشمول صلاحیت دیوان ، است .

محدودیت های ارزی

خواهان بخشی از ادعای خود را بر بی اعتبار بودن ادعائی مقررات کنترل ارزی ایران ، هم از نظر ظاهر مقررات و هم نحوه اعمال آن ، استوار کرده است . دیوان ، بسا این اظهار که عدم وصول پول توسط خواهان به ارز خارجی بر مبنای مقررات ارزی ایران

(۵) در مورد حاضر شورای کارکنان اقدامات خود را علیه شرکت خود ، که وی و "شرکای خارجی" اش را متهم بداشتن " اغراض خود خواهانه و امپریالیستی " و " قصد بچیب زدن سودهای بیشتر و غارت ملت ایران " نموده ، توجیه کرده است . (نقل به مضمون - م)

نمی باشد، از پرداخت به این موضوع ظفره رفته است . نمی توان گفت که وجود چنین مقرراتی در این امر که خواهان نتوانسته است وجوه خود را وصول نماید نقشی نداشته است . با احتمال زیاد، آن مقررات در اقدامات شورای کارکنان تاثیر داشته است . بعلاوه ، همانطور که در فوق بحث شد، من معتقدم چندبراتی که باید به ارز خارجی پرداخت می شد، تسلیم گردیده، ولی مقامات بانکی ایران آنها را رد کرده اند . همچنین ، هر دو طرف مسئله را اعتبار محدودیتهای ارزی ایران را مطرح کردند . بنا بر این حتی با وجودیکه دیوان در مورد مقررات ارزی ایران رایی صادر نکرده ، اینجانب آن مقررات و کاربرد آنها را مورد بحث قرار می دهم .

حتی اگر محدودیتهای ارزی ایران معتبر می بود نمی بایست در مورد پرونده حاضر اعمال می شد . همانطور که در فوق اشاره شد، اسناد مربوط به ورود اجناس مورد بحث بمنزله تصویب انتقال ارز بود . همچنین پذیرفتن این نکته اهمیت دارد که دیوان با غیر قانونی شناختن امتناع بانک مرکزی از تصویب تبدیل ارز مربوط به دو برات اذعان نموده است که حق ایران در وضع و اجرای محدودیت های ارزی خود حداقل مشمول برخی محدودیتهاست .

محدویت های ارزی می تواند مصادره تلقی شود که بموجب قوانین بین المللی مشمول پرداخت غرامت است . این امر بستگی به عواملی از قبیل تبعیض آمیز بودن یا نبودن این محدودیت ها ، موجه بودن یا نبودن آنها بر مبنای دلایل واقعا " اقتصادی و یا سلب و یا عدم سلب حق تمتع و استفاده یک تبعه خارجی از پولش ، دارد . رجوع شود به :

M. Shuster, The Public International Law of Money 73 et seq. (1973); F. Mann, The Legal Aspect of Money 472 et seq. (4th ed. 1982).

در پرونده حاضر بحث کفایت به این عوامل توجه نشده است .

اعمال آنکه محدودیتهای ارزی ایران بموجب حقوق بین الملل عرفی مصادره ای که مستلزم پرداخت غرامت باشد، تلقی شود، یا نه، به وضوح تخلف از عهدنامه مودت،

روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایالات متحده آمریکا و ایران که در تاریخ ۱۵ اوت ۱۹۵۵ (۲۴ مرداد ماه ۱۳۲۴) منعقد و از ۱۶ ژوئن ۱۹۵۷ (۲۶ خرداد ماه ۱۳۲۶) به اجرا درآمده

284 U.N.T.S. 93, 8 U.S.T. 899, T.I.A.S. No.3853,

("عهدنامه مودت") همچنین تخطف از مواد موافقتنامه صندوق بین المللی پول که در ۲۲ ژوئیه ۱۹۴۴ (۳۱ تیر ماه ۱۳۲۳) امضاء و در ۲۷ دسامبر ۱۹۴۵ (۶ دی ماه ۱۳۲۴) به اجرا درآمده ، 2 U.N.T.S. 39, ("موافقتنامه صندوق بین المللی پول") که هم ایران و هم ایالات متحده ، هر دو از اعضاء اصلی آن هستند ، به شمار می رود . مفاد عهدنامه مودت کماکان برای ایران الزام آور می باشد رجوع شود به پرونده هیئت سیاسی و کنسولی ایالات متحده در تهران (ایالات متحده علیه ایران) ۱۹۸۰ ، دیوان بین المللی دادگستری ، ۳ ، ۲۸۰ (رای مورخ ۲۴ مه ۱۹۸۰ / ۳ خرداد ماه ۱۳۵۹) ، آی تی تی اینداستریز اینکورپوریتد ، علیه جمهوری اسلامی ایران ، حکم شماره ۲ - ۱۵۶ - ۴۷ (نظر موافق جرج اچ . آلد ریچ) (۲۶ مه ۱۹۸۳ / ۵ خرداد ماه ۱۳۶۲) آمریکن اینترنشنال گروپ اینکورپوریتد و دیگران علیه جمهوری اسلامی ایران و دیگران ، حکم شماره ۳ - ۲ - ۹۳ (نظر موافق ریچارد ام . ماسک) (۳۰ دسامبر ۱۹۸۳ / ۹ دی ماه ۱۳۶۲) .

مفاد عهدنامه مودت و موافقتنامه صندوق بین المللی پول برای خواهان قابل استناد است . رجوع شود به آمریکن اینترنشنال گروپ ، اینکورپوریتد و دیگران علیه جمهوری اسلامی ایران و دیگران (نظر موافق ریچارد ام . ماسک) (۳۰ دسامبر ۱۹۸۳ / ۹ دی ماه ۱۳۶۲) کالاماز و اسپایس اکسترکشن کامپنی علیه دولت موقت نظامی

سوسیالیستی حبشه . ; (6th Cir. March 9, 1984) No. 82-1521 slip op., F.2d __

آمریکن اینترنشنال گروپ اینکورپوریتد علیه جمهوری اسلامی ایران

493 F. Supp. 522 (D.D.C.1980)

ماده ۷ عهدنامه مودت بشرح زیر مقرر می دارد :

۱ - هیچیک از طرفین معظمین متعا هدین در مورد پرداخت و ارسال وسایران نقلات پولی بقلم و طرف معظم متعا هد دیگر یا از

قلمرو طرف معظم متعا هدیگر به قلمرو خود تضییقاتی قائل نخواهد شد مگر (الف) تا حدی که برای تامین ارز خارجی جهت پرداخت بهای کالاها و خدمات (سرویسهای) ضروری برای بهداشت و رفاه مردم لازم باشد (ب) در مورد یک عضو صندوق بین المللی پول تضییقاتی که مصرحا بتصویب صندوق رسیده باشد.

۲ - اگر هر یک از طرفین معظمین متعا هدین تضییقات ارزی بکار برد با سرعت اوقات قرار معقول برای استرداد و انتقال ارز خارجی به پول رایج طرف معظم متعا هدیگر در موارد ذیل خواهد داد: (الف) غرامت مذکور در بند ۲ ماده ۴ عهدنامه حاضر (ب) درآمد ها بصورت حقوق (ماهانه) بهره، سود سهام، حق العمل، حق الامتیاز، اجرت خدمات فنی یا غیر آن و (ج) مبالغ مخصوص استهلاک دیون و استهلاک سرمایه ها ثیکه مستقیما " بکار افتاده و انتقال سرمایه با توجه به حوائج خاص برای سایر معاملات، اگر برای ارزیابی از یک نرخ مجری باشد نرخ که در مورد اینگونه انتقال مجری خواهد بود نرخ است که مصرحا " از طرف صندوق بین المللی پول جهت اینگونه معاملات تصویب شده باشد یا اگر چنین نرخ از طرف صندوق تصویب نشده باشد، نرخ خالصی مجری خواهد بود که با در نظر گرفتن هرگونه مالیات یا عوارض اضافی برای انتقال ارزی معقول و عادلانه باشد.

۳ - هر یک از طرفین معظمین متعا هدین که تضییقات ارزی قائل می شود بطور کلی این تضییقات را به نحوی اجرا خواهد نمود که از نظر قابلیت در تجارت و حمل و نقل یا بکار انداختن سرمایه طرف معظم متعا هدیگر با مقایسه با تجارت یا حمل و نقل یا بکار انداختن سرمایه هر کشور ثالثی تاثیر زیان آوری نداشته باشد و در هر موقع بطرف معظم متعا هدیگر برای مشاوره در باب اجرای این ماده فرصت کافی خواهد داد.

به نظرمی رسد که با وجود چنین مفادی در عهدنامه، دولتی که محدودیتهای ارزی اعلام

می کند بار توجیه وجود آنها را نیز بر عهده دارد. رجوع شود به:

Note, Foreign Exchange Controls: A Survey of the Legal Protection Available to the American Investor, 49 Notre

Dame Law. 589, 607(1974).

در پرونده حاضر دلیل و مدرکی وجود ندارد که نشان دهد محدودیتها "جهت حصول اطمینان از وجود ارزش خارجی برای پرداخت قیمت اجناس و خدمات اساسی جهت بهداشت و رفاه مردم (ایران) ضروری بوده است (تاکید اضافه شده). همچنین مدرکی وجود ندارد که نشان دهد صندوق بین المللی پول چنین محدودیتهایی را تصویب کرده است. دیوان داوری دلیل و مدرکی در مورد شرایطی که بتواند مقررات ارزی ایران را توجیه کند در دست ندارد. در واقع گزارشهایی موجود است که در زمانهای ذیربط ذخایر ارزی ایران کافی بوده است. رجوع شود به :

130 U.S. Cong. Rec. S.1679, S.1680, S.1683, n. 33(daily ed. Feb. 27, 1984).

نظر به اینکه دیوان منحصر " بر مبنای ادله و مدارک موجود می تواند عمل نماید

(D. Sandifer, Evidence Before International Tribunals

397- 402 (Rev. ed. 1975).

این نتیجه گیری که محدودیتهای ارزی ایران مطابق با مفاد عهدنامه مودت است توجیه پذیر نمی باشد.

حتی اگر خواننده ضرورت چنین محدودیت ارزی را اثبات می کرد، باز طبق عهدنامه مودت متعهد بود امکان برداشت عاجل و معقول وجه به دلار را فراهم کند. دیوان دلایلی در دست ندارد که در پرونده حاضر چنین امکانی پیش بینی شده است. بدین ترتیب مقررات ارزی ایران تخلف از مفاد عهدنامه مودت می باشد.

بعلاوه، محدودیت های ارزی یاد شده تخلف از مفاد موافقتنامه صندوق بین المللی پول می باشد. ایران در سال ۱۹۷۴، کنترل های ارزی را که در آن زمان وجود داشت اساساً لغو کرد. بعد از آن، برای اینکه مجدداً " در مورد معاملات جاری محدودیت ارزی برقرار نماید، می بایست محدودیت مذکور را به موجب ماده ۸ موافقتنامه صندوق

بین المللی پول ، بتصویب صندوق برسانند . رجوع شود به :

Evans, Current and Capital Transactions: How the Fund Defines Them, 3 Fin. & Dev. 30, 31 (1968); J.Horsefield, The International Monetary Fund 1945-1965- Volume I: Chronicle 248- 50 (1969).

مدرکی وجود ندارد که چنین محدودیتی تصویب شده باشد . رجوع شود به :

130 U.S. Cong. Rec. S.1679, S.1681 (daily ed. Feb. 29, 1984). (6)

مختصر ، دولت ایران با تصویب مقررات ارزی مورد بحث و با پیش بینی نکردن انتقال پول به ارز و عدم ارائه هیچگونه دلیل روشنی برای تصمیمات خود در مورد انتقال پول ، مفاد عهدنامه مودت و موافقتنامه صندوق بین المللی پول را نقض کرده است .

مسئولیت دولت

خواهان اظهار می دارند که حتی اگر شورای کارکنان ، بمعنی فنی کلمه یک سازمان ، دستگاه یا واحد تحت کنترل دولت ایران نباشد ، باز دولت ایران قانوناً " بموجب قوانین بین المللی مسئول اعمال شورای کارکنان می باشد .

بموجب حقوق بین الملل ، یک دولت وقتی در حفاظت از یک خارجی در مقابل صدمات ناشی از اعمال جنائی یا اعمالی که عموماً " جنایتکارانه شناخته شده یا برخلاف نظم عمومی می باشد ، قصور ورزد و در صورتیکه دولت ، از جمله ، تدابیر معقول جهت پیش گیری یا کشف چنین اعمالی را به عمل نیاورد ، یا مسئولان را مجازات نکند ، مسئول می باشد . رجوع شود برای نمونه به :

Restatement (Second) of Foreign Relations Law of the United

(۶) معاملات پرونده حاضر به وضوح از معاملات جاری بوده است . رجوع شود به ماده ۱۹ (یک) موافقتنامه صندوق بین المللی پول .

States § 183 (1965).

علاوه بر این ، یک دولت احتمالا" موظف است ، در بعضی شرایط و موقعیکه از خصومت اساسی علیه خارجیان آگاه است ، حمایت بیشتری از آنان بعمل آورد. رجوع شود به :

Yates, State Responsibility for Nonwealth Injuries to Aliens in the Postwar Era", in International Law of State Responsibility for Injuries to Aliens 213, 232 (R. Lillich ed. 1983).

در پرونده حاضر ، ادله و مدارک حاکی از آنست که شورای کارکنان کنترل شرینگ ایران را بدست گرفت . شورا خواستار حق امضاء بانکی شد ، این حق را به دست آورد و پول شرکت را ضبط کرد . شورای کارکنان اعمال خود را در مقابل "اهداف امپریالیستی" مشهود شرکت و "مدیران خارجی" آن ضروری توجیه کرد . تهدید شورای کارکنان به ضبط وجوه شرکت در صورتیکه بعضی اقدامات بعمل نیاید ، مصادره پولها و سایر اقدامات آن ، اعمال مخالف نظم عمومی و قوانین ایران بوده است .

مضافاً ، خواننده از خصومتی که متوجه آمریکائیان در ایران بود ، آگاهی داشته است . رجوع شود به : پرونده کارمندان سیاسی و کنسولی ایالات متحده در تهران (آمریکا علیه ایران) ۱۹۸۰ دیوان بین المللی دادگستری ، ۳ و ۳۲-۳۳ (رای مورخ ۲۴ مه ۱۹۸۰ / ۳ / خرداد ماه ۱۳۵۹) ، در سال ۱۹۸۰ ، بانک آمریکائی خواهان از مقامات بانکی ایران در مورد پرداخت براتها استفسار کرد . معمولاً اینگونه استفسارها توسط شرینگ ایران بعمل میامد . درخواستهای بانک خواهان ، منطقاً "می بایست خواننده را از اعمالی که متوجه شرینگ بود ، مطلع کرده باشد .

باعث تاسف است که دیوان راجع به واقعیات و مسائل حقوقی مربوط به موضوع مسئولیت دولت که خواهان آنها را مطرح نموده ، بطور مشروح بحث ننکرده است .

نتیجه‌گیری

دیوان از دیدگاهی که به اظهارات، واقعیات و قوانین بطورنا درست و نارسا میپردازد بیشتر ادعاهای خواهان را رد کرده است. رای دیوان که متجاوز از یکسال ونیم پس از جلسه استماع این پرونده صادر شد، عمدتاً " باید با توجه به موضوعاتی که از آنها ظفره رفته و نیز قصورش در بیان معیارهایی که بکار برده، ارزیابی شود.

بدلیل پیش گفته با این حکم مخالفم.

لاسه، بتاريخ ۱۷ آوریل ۱۹۸۴ برابر با ۲۸ فروردین ۱۳۶۳

Rud M. Mord

ریچارد ام. ماسک